

فلسفه حقوق طبیعی گیاهی بشر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۳/۷

محمدحسین طالبی*

چکیده

تبیین فلسفی و ریشه‌یابی حقوق بشر در گفتمان حقوق بشر امری بسیار مهم و به غایت دشوار است. ادعای بیشتر فیلسوفان حقوق بشر آن است که حقوق بشر حقوق طبیعی بشرند؛ در نتیجه خاستگاه این حقوق باید طبیعت انسان باشد. استدلال کردن بر این مطلب که ریشه هر حقی از حقوق بشر در کجای طبیعت انسان قرار دارد، امری بدیع است. نفس آدمی به‌عنوان طبیعت انسان از سه مرتبه گیاهی (نباتی)، حیوانی و ناطقه تشکیل شده است. حقوق طبیعی بشر مقتضای این مراتب سه‌گانه در راستای حرکت انسان به سوی کمال نهایی خود؛ یعنی مقام انسان کامل است؛ بنابراین حقوق بشر به سه دسته حقوق گیاهی، حقوق حیوانی و حقوق عقلانی تقسیم می‌شوند. موضوع این مقاله «فلسفه حقوق طبیعی گیاهی بشر» است. این نگارش درصدد پاسخ گفتن به این پرسش است: چرا بشر حقوق طبیعی گیاهی دارد؟ به عبارت دیگر ریشه‌های حقوق طبیعی گیاهی بشر در ذات انسان کدامند؟ در این پژوهش سعی شده است به کمک بازخوانی بخشی از نظریه اسلامی قانون طبیعی دلیل فلسفی وجود هر یک از حق‌های طبیعی گیاهی بشر بیان شود. این امر نوآوری این مقاله است. حقوق طبیعی گیاهی بشر که در منشوری به نام منشور حق حیات گیاهی بشر وجود دارند، مشتمل بر ۲۵ حق هستند. ارکان این حق‌ها پنج حق اولی بوده که عبارت‌اند از: حق تغذیه سالم (امنیت غذایی)، حق تنفس در هوای پاک، حق بر سلامت، حق بهداشت (و درمان) و حق فرزندآوری. ۲۰ حق دیگر که حقوق ثانوی هستند از این پنج حق اولی به‌دست می‌آیند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق گیاهی (نباتی) بشر، حقوق طبیعی بشر، حیات گیاهی (نباتی) بشر، نظریه اسلامی قانون طبیعی.

۱۲۱

حقوق اسلامی / سال هجدهم / شماره ۶۸ / بهار ۱۴۰۰

مقدمه

یکی از مهم‌ترین گفتمان‌های حقوقی، سیاسی و در یک کلام، اجتماعی در جهان معاصر گفتمان حقوق بشر است. پیش از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) در سال ۱۹۴۸ میلادی، عنوان حقوق بشر در آثار نویسندگان، گویندگان و نیز در اسناد بین‌الملل امری رایج نبود. در عوض، از عنوان حقوق طبیعی بشر استفاده می‌شد. امروزه به حق‌های طبیعی بشر، حقوق بشر نیز گفته می‌شود (Jones, 1994, p.72/ Finnis, 1980, p.198/ Vlastos, 1970, p.79/ Wasserstrom, 1970, p.97, f.n.2). بنابراین ماهیت حقوق بشر و حقوق طبیعی بشر یکی است. تعریف آن دو نیز این یگانگی را تأیید می‌کند. حقوق بشر یا حقوق طبیعی بشر عبارت‌اند از آن دسته از حق‌هایی که همه افراد بشر به‌طور طبیعی؛ یعنی از آن‌رو که بشرند، بدون در نظر گرفتن عناوین ثانوی مثل رنگ پوست، جنسیت، تابعیت، نژاد، زبان، طبقه اجتماعی و... دارای آن هستند (Campbell, 2006, p.34/ Donnelly, 1989, p.12/ شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰، ص ۹۶). در این مقاله نیز همین معنای حقوق طبیعی مراد است.

به عبارت دیگر به حق‌هایی که هر انسان به دلیل آنکه دارای طبیعت بشری است، آنها را دارد، حقوق (طبیعی) بشر گفته می‌شود. عقل آدمی این حقوق را از ذات انسان از آن‌رو که انسان است، می‌فهمد. عناوین غیرذاتی و ثانوی، مثل رنگ پوست، زبان، محل زندگی، شغل، جنسیت و غیر آن در وجود حقوق بشر نقشی ندارند؛ بنابراین این حق‌ها همگی تکوینی و همزاد بشر بوده و اعتبار آنها ذاتی است؛ یعنی اعتبار آنها به دلیل انسانیت انسان است. اعتبار این حقوق به وضع واضع وابسته نیست. به این دلیل حقوق بشر اموری حقیقی و عینی هستند.

پرسشی که این نگارش برای پاسخ به قسمتی از آن نگاشته شده است، آن است که حقوق طبیعی بشر کدام حقوق هستند.

این مسئله یکی از مسائل جنجال‌برانگیز مباحث مربوط به حقوق بشر در غرب است. از این رو، در تعداد این حقوق اختلاف فراوانی به چشم می‌خورد.

هابز (Hobbes) تنها حق طبیعی بشر را حق آزادی به منظور صیانت از نفس (Self-Preservation) می‌داند (Hobbes, 1957, p.84). لاک (Locke) این حقوق را در حق حیات، آزادی و مالکیت خلاصه می‌کرد (Locke, 1960, II, s.6). اعلامیه حقوق بشر و حقوق شهروند فرانسه (۱۷۸۹م) که تاحدی از افکار لاک متأثر بود به چهار نوع از حق به‌عنوان حقوق

(طبیعی) بشر اشاره کرده است: آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در برابر ظلم.^۱ بیشتر لیبرالیست‌ها افزون بر حق حیات، سه حق امنیت، آزادی و رفتن به سوی خوشبختی (Pursuit of Happiness) را نیز حق طبیعی بشر دانسته‌اند. جامعه‌شناسان جدید حق کار را از حقوق (طبیعی) بشر برشمرده‌اند. ماریتین (M. Maritain) فهرستی مشتمل بر ۹ عنوان را حقوق بشر دانسته که برخی از آنها عبارت‌اند از: حق حیات، حق آزادی، حق مالکیت، حق داشتن رفتارهای دینی، حق ازدواج و داشتن خانواده و حق هر انسان نسبت به اینکه با او به‌مثابه یک شخص (و نه یک شیء) رفتار شود (Macdonald, 1970, p.50-51).

در قرن بیستم نیز اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های متعددی در باره حقوق بشر نظر داده‌اند که با هم تفاوت‌هایی دارند؛ برای نمونه اعلامیه جهانی حقوق بشر، که در سال ۱۹۴۸ در سازمان ملل متحد به تصویب رسید، ۳۰ ماده دارد. این اعلامیه مواردی مانند حق حیات، آزادی، ملکیت، حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی-اقتصادی را حقوق بشر نامیده است، درحالی‌که «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰م» (European Convention on Human Rights)، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶م» (International Covenant on Civil and Political Rights)، «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶م» (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights) و «اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره - ۱۹۹۰م)» (Islamic Declaration of Human Rights) به حق‌های دیگری نیز به‌عنوان حقوق بشر اشاره کرده‌اند.

پرسش اصلی آن است که با توجه به اختلاف نظر عمیق درباره مصادیق حقوق بشر کدام یک از فهرست‌های ارائه شده را می‌توان تأیید کرد. برای آنکه بتوان از مصادیق حقوق بشر دفاع عقلی کرد، باید این حقوق براساس نظریه‌ای صحیح و موجه‌ساز تعیین شوند. به عقیده نویسنده، نظریه اسلامی قانون طبیعی (Islamic Natural Law Theory) محکمترین دلیل و بهترین روش برای شناسایی حقوق طبیعی بشر است. چگونه می‌توان از این نظریه عقلی بر وجود حقوق بشر دلیل آورد؟ گفتمنی است به دلیل آنکه کشف همه حق‌های طبیعی بشر بر اساس این نظریه، بیش از حجم یک مقاله است، در این نگارش با استفاده از قسمتی از آن نظریه، ابتدایی‌ترین حقوق طبیعی بشر؛

1 The end of all political associations, is the preservation of the natural and imprescriptible rights of man; and these rights are liberty, property, security, and resistance of oppression.

یعنی حقوق بشر در مرتبه نفس نباتی را با عنوان حقوق گیاهی بشر شناسایی می‌کنیم؛ بنابراین پرسش اصلی این نگارش آن است که به چه دلیل ما انسان‌ها حقوق گیاهی داریم؟ به عبارت دیگر فلسفه حقوق گیاهی بشر و خاستگاه این حقوق در کجای ذات انسان است؟

برای رسیدن به این پاسخ، ابتدا محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی را در مرتبه نفس نباتی توضیح می‌دهیم، سپس با استناد به گزاره‌های آن قانون در مرتبه نفس نباتی، حقوق گیاهی بشر را کشف می‌کنیم.

۱. نظریه اسلامی قانون طبیعی^۱ (در مرتبه نفس نباتی)

نظریه اسلامی قانون طبیعی مجموعه‌ای هماهنگ از فرمان‌های عقلی درباره رفتارهای بشر است. عقل عملی با توجه به دو چیز این فرمان‌ها را صادر می‌کند: ۱. نیازهای طبیعی بشر و ۲. هدفی که بشر برای آن آفریده شده است. برای شناسایی محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی ما باید طبیعت بشر (نفس انسان) و نیازهای طبیعی او را برای رسیدن به هدف از آفرینش او بشناسیم.

هدف از خلقت بشر در مکتب اسلام آن است که هر انسان در زندگی خود در این دنیا به بالاترین درجات اخلاقی و کمال‌های معنوی برسد. این مقام والا به مقام انسان کامل معروف است. در ادبیات قرآنی به این مقام والا مقام خلیفه‌اللهی گفته می‌شود.^۲ انسان در این دنیا با استیفای حقوق طبیعی خود (حقوق بشر) به آن مقام بلند می‌رسد.

گفتیم مفاد نظریه اسلامی قانون طبیعی با شناسایی نفس آدمی و نیازهای طبیعی آن شناخته می‌شود. به عقیده فیلسوفان مسلمان، نفس هر انسان سه مرتبه نباتی (گیاهی)، حیوانی و ناطقه دارد (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص ۳۲/ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، صص ۵۳ و ۱۲۹). نفس بشر در هر یک از این مراتب سه‌گانه چند قوه دارد. این قوا نیازهای بشر را در هر مرتبه از مراتب سه‌گانه نفس تامین می‌کنند. عقل عملی با توجه به این نیازها فرمان‌هایی به انسان می‌دهد که او با اطاعت کامل از این فرمان‌ها خود را به مقام والای انسان کامل می‌رساند (طالبی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵۶)؛ به عبارت دیگر حقوق بشر پاسخی به نیازهای طبیعی انسان برای رسیدن به آن مقام والا است. از

1. Islamic Theory of Natural Law.

۲. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً... و آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من در زمین جانشین قرار می‌دهم» (بقره/۳۰).

هریک از این فرمان‌های عقل عملی (محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی) یک یا چندین حق طبیعی (حقوق بشر) فهمیده می‌شود؛ بنابراین با توجه به مراتب سه‌گانه نفس، حقوق (طبیعی) بشر سه مرتبه نباتی (گیاهی)، حیوانی و انسانی (مرتبه ناطقه) دارند؛ به عبارت دیگر بشر سه مرتبه حیات گیاهی (نباتی)، حیات حیوانی و حیات انسانی (ناطقه) دارد. در این نگارش حقوق (طبیعی) بشر را در مرتبه حیات گیاهی (نباتی) با استفاده از مفاد نظریه اسلامی قانون طبیعی (در مرتبه نفس نباتی) واکاوی می‌کنیم.

۲. نفس نباتی و قوای آن

برای آگاه شدن از مفاد قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی، باید نیازهای بشر در این مرتبه از نفس شناخته شوند. قبل از شناسایی این نیازها باید نفس نباتی و قوای آن را بشناسیم. به آن مرتبه از نفس آدمی که با استفاده از قوای خود کارکردهای گیاهی بدن را مدیریت می‌کند، نفس نباتی گفته می‌شود. نفس نباتی پایین‌ترین مرتبه نفس است. خداوند متعال این مرتبه از نفس را افزون بر انسان ها، در حیوانات و گیاهان نیز قرار داده است. این مرتبه از نفس سه قوه غذایی (مصرف‌کننده غذا)، منمیه (رشددهنده اعضا) و مولده (ایجادکننده فرد جدید) دارد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ص ۳۳/طوسی، ۱۳۷۵، ص ۴۰۸/ صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۸، صص ۵۴ و ۱۳۰). دو قوه اول برای حفظ شخص و قوه مولده که کار تولید مثل را انجام می‌دهد، برای حفظ نوع بشر و بقای نسل انسان آفریده شده‌اند (شهرزوری، ۱۳۸۳، ص ۳۲۷). این قوای سه‌گانه امکانات طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی هستند.

هر انسان ناگزیر است برای رسیدن به مقام والای انسان کامل، افزون بر استفاده از دیگر قوای طبیعی خود، از این قوا نیز استفاده کند. قوای سه‌گانه نفس نباتی کارکردهای متفاوتی در بدن دارند:

۱. تغذیه، که نتیجه آن جذب مواد غذایی در بدن و دفع زوائد آن از بدن است. تغذیه کارکرد قوه غذایی است.

۲. رشد بدن و حفظ و مراقبت از آن در برابر بیماری. این امر کارکرد قوه منمیه است.

۳. تولید مثل که کارکرد قوه مولده است.

۳. فرمان‌های عقل عملی برای حفظ حیات گیاهی

حیات گیاهی (نباتی) (Vegetative Life) که متشکل از سه ویژگی بالاست، بنیادی‌ترین

شرط رسیدن به هرگونه سعادت است. برای آنکه انسان بتواند به هدف از آفرینش خود (رسیدن به مقام والای انسان کامل) برسد، باید افزون بر رفع دیگر نیازها، نیازهای نباتی خود را نیز برطرف کند. این باید همان حکم عقل عملی؛ یعنی مفاد نظریه اسلامی قانون طبیعی در مرتبه نباتی نفس است. نیازهای هر انسان زنده برای ادامه حیات در مرتبه نفس نباتی عبارت‌اند از: نیاز به تغذیه، نیاز به رشد و نمو بدن و حفظ آن از بیماری و نیاز به تولید مثل. عقل عملی برای رفع این نیازها به بشر سه فرمان می‌دهد. این فرمان‌های سه‌گانه محتوای قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی به شرح زیر هستند:

الف) «هر فرد برای زنده ماندن باید از آب و هوا و غذای سالم استفاده کند».

ب) «هر فرد برای ادامه حیات خود باید شرایط رشد مناسب و سلامت خویش را فراهم کرده و در برابر بیماری‌ها از خود مراقبت کند».

ج) «بشر برای حفظ نوع خود باید تولید مثل کند».

۴. استنتاج حقوق (طبیعی) بشر از قانون طبیعی (در مرتبه نفس نباتی)

دانستیم حقوق طبیعی (Natural Rights) عبارت‌اند از: شایستگی‌هایی که خدای متعال به طور طبیعی؛ یعنی به طور تکوینی، در وجود بشر قرار داده است تا انسان بتواند با استیفای آنها به کمال‌های والا دست‌یابد. دلیل وجود حقوق طبیعی قانون طبیعی (Natural Law) است؛ به عبارت دیگر با شناخت قانون طبیعی می‌توان حقوق (طبیعی) بشر را کشف کرد. همچنین دانستیم فرمان‌های عقل عملی در مرتبه نفس نباتی بشر در راستای رسیدن به سعادت جاویدان سه گزاره است. این گزاره‌ها از توجه عقل به کارکردهای سه‌گانه تغذیه، رشد و نمو و تولید مثل که از قوای غذایی، منمیه و مولده نفس نباتی صادر می‌شوند، در راستای رسیدن به سعادت جاویدان به دست می‌آیند. از هر یک از این گزاره‌ها یک یا چند حق گیاهی (نباتی) از حقوق (طبیعی) بشر به دست می‌آیند.

پرسشی که در اینجا باید به آن پاسخ گفت، آن است که چگونه از هر یک از گزاره‌های قانون طبیعی در مرتبه گیاهی نفس بشر یک یا چند حق گیاهی فهمیده می‌شوند. در پاسخ این پرسش می‌گوییم: گزاره‌های قانون طبیعی در هر یک از مراتب سه‌گانه نباتی، حیوانی و عقلانی نفس،

همگی فرمان‌های عقلی هستند که هدف آنها تامین سعادت بشر است؛ به عبارت دیگر نتیجه اطاعت از هریک از این فرمان‌های عقلی رسیدن به سعادت گیاهی، حیوانی و عقلانی است. سعادت گیاهی عبارت است از لذتی که انسان از ارضای قوای نفس بشر در مرتبه نباتی (گیاهی) نصیب او می‌شود. ارضای قوای نفس از راه تامین نیازهای آن صورت می‌گیرد.

دانستیم نفس گیاهی بشر سه قوه غذایی، مُنمیه و مولده دارد. برای آنکه انسان هریک از این قوا را به سعادت برساند، باید نیاز آن را رفع کند. روشن است که رفع نیاز قوه غذایی از راه تغذیه سالم، استنشاق از هوای پاک و استراحت مناسب انجام می‌شود. به این دلیل عقل عملی به همه انسان‌ها فرمان می‌دهد برای حفظ حیات خود باید از تغذیه سالم بهره‌مند شوند؛ به عبارت دیگر تغذیه سالم مقدمه و علت حفظ حیات گیاهی است. اگر حفظ حیات به لحاظ عقلی امری لازم باشد، مقدمه آن نیز وجوب عقلی دارد؛ زیرا ایجاد مقدمه ذی المقدمه‌ای که واجب عقلی است، وجوب عقلی دارد؛ بنابراین وقتی انسان در معرض حکم عقل به وجوب تغذیه سالم قرار می‌گیرد، به طور بدیهی می‌فهمد که او نسبت به تغذیه سالم حق دارد. اگر او حق (یعنی شایستگی) تغذیه سالم نمی‌داشت، هرگز عقل به او امر نمی‌کرد که تغذیه سالم را انجام دهد؛ بنابراین به دلیل آنکه تغذیه سالم مقدمه حفظ حیات گیاهی است، و حیات گیاهی حق بشر است، چون انسان در تامین آن به سعادت و لذت گیاهی می‌رسد، هر آنچه که مقدمه حفظ حیات گیاهی باشد، نیز حق بشر است. همچنین تامین هر آنچه که مقدمه تامین حق تغذیه سالم باشد، نیز وجوب عقلی بدیهی دارد؛ زیرا ایجاد مقدمه واجب و وجوب بدیهی دارد.

به این دلیل است که بر اساس نظریه اسلامی قانون طبیعی، درمی‌یابیم که همه حقوق طبیعی بشر اموری هستند که هم وجوب عقلی دارند و هم به طور بدیهی اثبات پذیرند؛ زیرا همگی چه بی‌واسطه، مثل حقوق اولی و چه باواسطه، مثل حقوق ثانوی^۱، مقدمه سعادت بشر هستند. وجوب دست‌یابی به سعادت نیز برای بشر امری است که به طور فطری و با علم حضوری درک می‌شود و به هیچ وجه خطا در آن راه ندارد؛ زیرا علم حضوری خطا بردار نیست.

حاصل آنکه ریشه و فلسفه وجود هریک از حقوق گیاهی بشر در قوه‌ای از قوای سه‌گانه نفس نباتی انسان وجود دارد. عقل عملی به کمک سه گزاره بالا در نظریه اسلامی قانون طبیعی، هریک

۱. به زودی حقوق طبیعی اولی و ثانوی را شرح می‌دهیم.

از این حق‌ها را چون مقدمه استیفای حق حیات گیاهی هستند، به‌طور بدیهی و به شرح زیر می‌فهمد.

۴-۱. حق تغذیه سالم (امنیت غذایی)

تغذیه سالم که امروزه با نام امنیت غذایی شناخته می‌شود، یکی از روشن‌ترین و مهم‌ترین حق‌های گیاهی بشر است. مراد از حق تغذیه سالم یا حق امنیت غذایی حق خوردن و آشامیدن از مواد غذایی سالم (و نیز دفع مواد زائد و فاسد از بدن) است. این حق از اولین فرمان بدیهی عقل که مفاد قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی است، به‌دست می‌آید. حقوق طبیعی بشر همواره از قانون طبیعی به‌دست می‌آیند. قوانین طبیعی نیز بر دو دسته‌اند: برخی از آنها به‌طور مستقیم از قوای نفس و هدف از آفرینش بشر فهمیده می‌شوند. به این دسته از گزاره‌ها قوانین اولیه طبیعی می‌گوییم. دسته دیگر قوانین طبیعی آن گزاره‌های قانونی هستند که از گزاره‌های اولیه فهمیده می‌شوند. به این گزاره‌ها قوانین ثانوی طبیعی گفته می‌شود. از گزاره‌های اولیه قانون طبیعی حقوق اولیه طبیعی و از گزاره‌های ثانوی قانون طبیعی حقوق ثانوی طبیعی فهمیده می‌شود. حقوق ثانوی طبیعی همواره مقدمه دست‌یابی به حقوق اولیه طبیعی بشر هستند. به دلیل آنکه حق تغذیه سالم به‌طور مستقیم از یک گزاره اولیه قانون طبیعی فهمیده می‌شود، این حق در گروه حقوق اولیه طبیعی بشر قرار دارد.

دانستیم اولین فرمان عقل عملی در نظریه اسلامی قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی که با استناد به کارکرد اولین قوه نفس نباتی؛ یعنی قوه غاذیه، صادر می‌شود، عبارت است از: «هر فرد برای زنده ماندن باید از آب و هوا و غذای سالم استفاده کند». (طالبی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱).

بنابراین خوردن یا خوراندن هر نوع غذای ناسالم موجب زیرپا گذاشتن حق تغذیه سالم می‌شود. امروزه بیشتر حقوق اقتصادی که به‌عنوان حقوق بشر شناخته می‌شوند، از مقدمات حق امنیت غذایی بوده و برای تأمین آن حق مورد توجه قرار می‌گیرند. گفتنی است همه مقدمات حق تغذیه سالم، چه حقوق اقتصادی و چه غیر آن باشند، همانند خود آن حق، جزء حقوق طبیعی بشر هستند، اما چون آن حقوق به‌طور مستقیم از قانون طبیعی به‌دست نمی‌آیند، در گروه حق‌های ثانویه طبیعی قرار داده می‌شوند. شناسایی و تعیین این حق‌ها از راه تجربه امکان‌پذیر است.

۴-۱-۱. حقوق (ثانوی) طبیعی مقدمه حق تغذیه سالم

چندین حق طبیعی مقدمه استیفای حق تغذیه سالم هستند. به دلیل آنکه استیفای حق تغذیه سالم برای رسیدن به مقام انسان کامل امری لازم است، همه مقدمات آن نیز وجوب عقلی بدیهی دارند؛ زیرا بدون استیفای این حق‌ها نمی‌توان ذی‌المقدمه؛ یعنی حق تغذیه سالم را استیفا کرد.^۱ این حقوق ثانوی طبیعی و بدیهی عبارت‌اند از.

۴-۱-۱-۱. حق داشتن سرپرست (در تأمین غذای سالم)

انسان‌ها تا قبل از سنینی که بتوانند از راه کسب‌وکار برای خود غذا تهیه کنند، برای تأمین غذای سالم به سرپرست نیاز دارند. سرپرست کسی است که تأمین همه نیازمندی‌های مادی و معنوی زندگی فرد دیگر به عهده اوست. معنای سرپرستی در اینجا مترادف با معنای حضانت نیست؛ بلکه معنایی عام‌تر از معنای حضانت دارد. حضانت به معنای نگهداری از کودک است، درحالی‌که سرپرستی تا وقتی ادامه دارد که شخص نیازمند بتواند نیازهای ضروری مادی و معنوی خود را برآورده کند؛ هرچند که در سال‌های کهنولت باشد. سرپرست ممکن است پدر، مادر، فرزند یا هرکس دیگر باشد.

داشتن سرپرست به‌عنوان یکی از حقوق طبیعی انسان نه تنها زیرمجموعه حق تغذیه سالم است، بلکه چنان‌که بعداً خواهیم گفت، این حق زیرمجموعه حق سلامت و بهداشت (و درمان) نیز است.

۴-۱-۱-۲. حق داشتن پرستار تغذیه

مراد از پرستار تغذیه در اینجا کسی است که وظیفه خوراندن غذا به شخص دیگر برعهده اوست. نوزادی که متولد می‌شود، تا مدتی نیازمند مادر یا دایه است که به او شیر بدهد؛ بنابراین مادر و دایه پرستار تغذیه نوزاد هستند. اگر نوزاد مادر یا دایه نداشته باشد، نیازمند به شخص دیگری است که کار غذادهی به او را انجام دهد.

همچنین بیماران یا سالمندانی که در خوردن غذا نیازمند دیگران هستند، برای استیفای حق تغذیه سالم حق داشتن پرستار تغذیه دارند. حق داشتن پرستار تغذیه تا زمانی برای صاحب حق

۱. اثبات وجوب برای مقدمه واجب امری بدیهی است.

ثابت است که او بتواند بدون نیاز به پرستار کار تغذیه خود را به تنهایی انجام دهد. هرچند حق داشتن پرستار، مانند حق داشتن سرپرست، از شاخه‌های حق تغذیه سالم (امنیت غذایی) است؛ اما روشن است که این دو حق با یکدیگر تفاوت دارند؛ چون متعلق این دو حق یکی نیست. صاحب حق باتوجه به حق داشتن سرپرست می‌تواند از سرپرست خود بخواهد برایش غذا فراهم کند، درحالی‌که او در پرتو حق داشتن پرستار می‌تواند از پرستارش بخواهد آن غذای تهیه شده را به او بخوراند.

از حق داشتن سرپرست در تأمین غذای سالم و حق داشتن پرستار تغذیه به‌دست می‌آید که انسان موجودی ذاتا اجتماعی است؛ زیرا او دست کم در کودکی و نیز به هنگام بیماری نمی‌تواند بدون کمک دیگران زندگی خود را به هیچ‌وجه ادامه دهد.

۴-۱-۱-۳. حق مالکیت اعتباری

مراد از حق مالکیت حق تسلط بر مملوک است به طوری که مالک بتواند به نحوی مطلوب در مملوک خویش تصرف کند. مالکیت بر دو نوع است: حقیقی و اعتباری.^۱ مالکیت حقیقی از یک نوع رابطه وجودی میان مالک و مملوک انتزاع می‌شود.

در مقابل، مالکیت اعتباری عبارت است از رابطه‌ای قراردادی (غیروجودی) میان مالک و چیزی خارج از وجود او که مالک در اثر آن می‌تواند در آن چیز تصرفاتی خاص، مانند مصرف کردن آن، تغییردادن آن و فروختن آن، انجام دهد. فایده این نوع مالکیت همان تسلطی است که مالک در اثر آن بر اموری خارج از دایره وجودی خویش پیدا می‌کند. چنین مالکیتی در اثر وضع و اعتبار به وجود می‌آید.^۲

۱. جان لاک (John Locke) فیلسوف شهیر انگلیسی در کتاب معروف خود با عنوان دو رساله درباره دولت (Two Treatises of Government) نیز در یک جمله به‌طور گذرا به هر دو نوع مالکیت اشاره کرده است. وی در این جمله می‌گوید: «قانون طبیعت حکم می‌کند همه انسان‌ها در بهره‌وری از حقوق و امتیازات طبیعی خود با یکدیگر مساوی باشند. این کامیابی نه تنها از حفظ مالکیت خویش؛ یعنی حیات، آزادی و اموال خود، در برابر مزاحمت‌های دیگران، بلکه از حق محاکمه و به مجازات رساندن متجاوزان نیز به‌دست می‌آید» (Locke, 1960, p. 323). پیداست لاک به هر دو نوع مالکیت (حقیقی و اعتباری) اعتقاد داشته است. به‌این دلیل او در عبارت بالا هم مالکیت حقیقی را، که دربردارنده اموری مثل «حیات» و «آزادی» است، و هم مالکیت اعتباری را با واژه «اموال» (دارایی‌ها) نام برده است.

۲. مالکیت اعتباری شامل مالکیت اعیان خارجی و مالکیت فکری می‌شود. حق مالکیت فکری شاخه‌های گوناگون دارد. این حق اموری را مثل حق اختراع در صنعت، حق ارائه راه حل مناسب برای رفع معضلات اجتماعی یا

هر انسان برای استیفای حق تغذیه سالم باید غذای سالم داشته باشد؛ یعنی مالک غذای سالم باشد؛ به عبارت دیگر حق مالکیت اعتباری یکی از مقدمات حق تغذیه سالم (امنیت غذایی) است. کوتاه سخن آنکه، همچنان که اگر اعضای بدن، مملوک حقیقی انسان نباشند، او نمی‌تواند بر آنها تسلط داشته و در آنها تصرف کند و بنابراین او نمی‌تواند بدون داشتن مالکیت حقیقی خود نسبت به اعضای بدن خویش حق تغذیه خود را استیفا کند؛ همچنین اگر انسان مالک (اعتباری) غذا نباشد، نمی‌تواند حق تغذیه را استیفا کند. از این رو، حق مالکیت اعتباری نیز، همانند حق مالکیت حقیقی، از مقدمات حق تغذیه سالم است. این حق از مبانی مسلم حقوق اقتصادی بوده و نیز از شرایط استیفای حق اشتغال و حق تجارت^۱ در راستای استیفای حق طبیعی تغذیه سالم است.

۴-۱-۱-۴. حق اشتغال (داشتن شغل)

حق اشتغال یکی دیگر از حق‌های ثانوی طبیعی بوده و مقدمه حق تغذیه سالم است. اشتغال به معنای آن است که هر فرد بتواند برای تأمین نیازمندی‌های مادی، از جمله تهیه غذا برای خود و برای کسانی که در سایه سرپرستی او زندگی می‌کنند، کسب و کار کند. انسان با کسب درآمد می‌تواند حق تغذیه سالم را برای خویش و برای افراد تحت تکفل خود استیفا کند. همچنان که پیش‌تر گفتیم، روشن است حق مالکیت (اعتباری) نیز شرط استیفای حق اشتغال است؛ به این معنا که تا کسی مطمئن نباشد در اثر کارکردن مالک دستمزد می‌شود، زیر بار رنج اشتغال نمی‌رود. حق داشتن شغل یکی از حقوق اقتصادی انسان‌هاست.

۴-۱-۱-۵. حق تجارت (خرید و فروش)

پس از آنکه انسان از راه اشتغال کسب درآمد کرد، برای اینکه او بتواند با درآمد به دست آمده غذای سالم خریداری کند و از این راه حق خود و افراد تحت تکفل خود را بر تغذیه سالم استیفا کند، باید حق تجارت؛ یعنی حق خرید غذای سالم داشته باشد؛ بنابراین حق تجارت نیز یکی دیگر از حق‌های طبیعی اقتصادی بشر است که وجود آن برای استیفای حق تغذیه سالم ضرورت دارد.

جهانی و نیز حق ابداع نظریه‌های محض فلسفی، در برمی‌گیرد.
۱. به زودی درباره حق اشتغال و حق تجارت سخن خواهیم گفت.

۴.۱.۱.۶. حق تصرف در طبیعت

گاه ممکن است انسان برای دست‌یابی به غذای سالم، لازم باشد در محیط زیست خویش تصرف کند؛ برای نمونه او باید مجاز باشد از میوه درختان یا منافع حیوانات تغذیه کند. همچنین برای کسب درآمد به منظور تأمین معاش سالم در جهت استیفای حق تغذیه سالم، وی باید مجاز باشد در طبیعت تصرف کند؛ برای نمونه انسان باید مجاز باشد به اکتشاف معادن سطحی یا زیرزمینی بپردازد، یا به امر کشاورزی و تصرف در آب و خاک روی بیاورد.

در یک کلام، حق تصرف در طبیعت از مقدمات حق طبیعی تغذیه سالم است؛ خواه بی‌واسطه از مقدمات حق تغذیه باشد و خواه با واسطه حق طبیعی اشتغال، مقدمه حق تغذیه سالم قرار گیرد. در هر یک از دو صورت، حق تصرف در طبیعت حقی از حقوق طبیعی اقتصادی بشر است. او با استفاده از حقوق طبیعی اقتصادی می‌تواند سطح زندگی خود و دیگر شهروندان را بهبود بخشیده و در خوردن و آشامیدن، سلامت، مسکن و دیگر حق‌های طبیعی به رفاه بیشتر برسد؛ بنابراین حق‌های طبیعی اقتصادی، مثل حق تجارت (خرید و فروش) و دیگر معاملات بازرگانی، حق اشتغال و حق تصرف در منابع طبیعی موجود در محیط زیست، همگی از مقدمات حق تغذیه سالم هستند.

۴.۱.۱.۷. حق بر محیط زیست سالم

گفتیم که حق تصرف در طبیعت یکی از حقوق مسلم طبیعی بشر است. این تصرف نباید به گونه‌ای باشد که محیط زیست بشر را از سلامت بازدارد؛ زیرا تهیه آب و غذای سالم از طبیعت در صورتی امکان دارد که محیط زیست طبیعی بشر سالم باشد. اگر منابع سطحی یا زیرزمینی آب آشامیدنی بشر آلوده به مواد سمی شوند، یا اگر مواد اولیه غذای بشر با انواع سموم آلوده شوند، یا اگر کره زمین به اندازه‌ای گرم شود که کشاورزی بر روی زمین سخت شود، یا اگر باران‌های اسیدی بر زمین فراگیر شوند و یا اگر... بشر نمی‌تواند به غذای سالم دست یابد؛ بنابراین حق بر محیط زیست سالم یکی از حقوق طبیعی بشر است که در این نگاه مقدمه حق تغذیه سالم قرار می‌گیرد. حق بر محیط زیست سالم یکی از مصادیق حقوق همبستگی (Solidarity Rights) است که امروزه به‌عنوان نسل سوم حقوق بشر شناخته می‌شود. متأسفانه هیچ‌یک از میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، این حق را به‌مثابه حقوق بشر مطرح نکرده‌اند (وکیل و عسکری، ۱۳۸۳، ص ۶۲). با این

همه، منشور جهانی طبیعت مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (قطعه‌نامه ۳۷/۷ مصوب ۲۷ اکتبر ۱۹۸۲م) در اصول ۱۴ تا ۲۴ به شیوه اجرای اصول مربوط به حق محیط زیست و حفاظت از آن اختصاص یافته است. همچنین مواد ۱ تا ۱۰ اعلامیه ریو نیز قواعد مشابه را بیان می‌کند.

۴-۲. حق تنفس در هوای پاک

دانستیم اولین گزاره قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی عبارت است از: «هر فرد برای زنده ماندن باید از آب و هوا و غذای سالم استفاده کند» (طالبی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱).

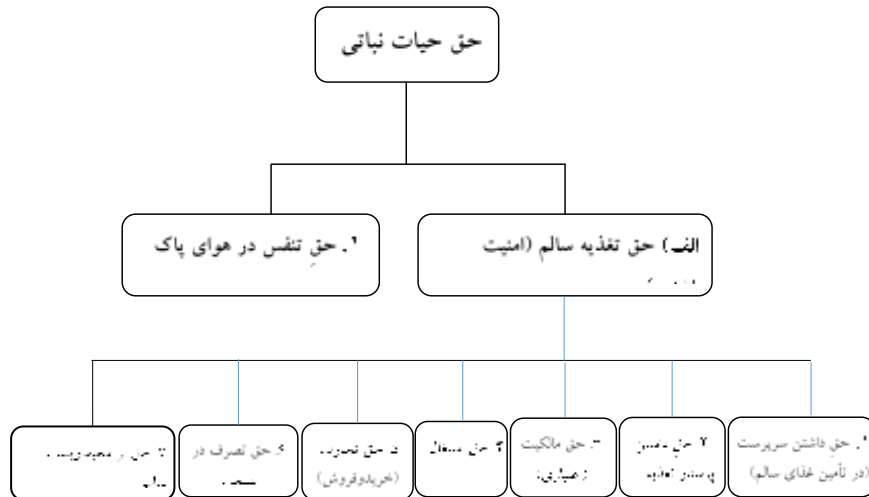
براساس این گزاره قانون طبیعی، بشر برای زنده ماندن، باید افزون بر غذای سالم، از هوای سالم نیز استفاده کند؛ بنابراین حق تنفس در هوای پاک، همانند حق تغذیه سالم، از روشن‌ترین و مهم‌ترین حق‌های اولیه طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی بوده و از شاخه‌های حق حیات نباتی است؛ از این‌رو هرگونه کاری که موجب آلودگی هوا شود، موجب زیر پا گذاشتن این حق طبیعی انسان‌ها شده و ظلم به آنها خواهد بود. حق تنفس در هوای پاک خود بخشی از حق طبیعی بشر بر محیط زیست سالم است.

آلودگی هوا مراتب مختلف دارد. سیگارکشیدن در فضاهای بسته، استفاده از وسائط نقلیه دودزا، مصرف مواد سوختنی پرخطر در شهرها یا در حاشیه شهرها، مثل مصرف نفت کوره در کوره‌های آجرپزی، و نیز استفاده از ماشین‌آلات صنعتی آلوده‌کننده هوا در کارخانه‌های شهری، مثل کارخانه‌های سازنده گچ و سیمان، همچنین تولید مواد سمی و گازهای شیمیایی و استفاده از آنها برای از بین بردن دشمن و... همگی از مصادیق گوناگون آلودگی هوا هستند. همه این موارد ضد حقوق بشر بوده و دولت وظیفه جلوگیری از آنها را به عهده دارد.

بنابراینچه گفته شد، از اولین فرمان قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی دو حق طبیعی به دست می‌آیند: حق تغذیه سالم و حق تنفس در هوای پاک. هر یک از این دو حق، حق اولی طبیعی بشر است؛ زیرا هر یک از آنها به طور مستقیم از قانون طبیعی فهمیده می‌شوند.

حق تغذیه سالم نیز مقدماتی دارد که هر یک از آنها حق ثانوی طبیعی است؛ زیرا به طور مستقیم از قانون طبیعی استنباط نمی‌شوند، بلکه همه آنها به واسطه حق تغذیه سالم در گروه حقوق طبیعی بشر قرار می‌گیرند. این حقوق عبارت‌اند از: حق داشتن سرپرست در تأمین غذای سالم، حق داشتن پرستار تغذیه، حق مالکیت اعتباری، حق اشتغال، حق تجارت، حق تصرف در طبیعت

و حق بر محیط زیست سالم. بیان نموداری مطلب بالا به شرح زیر است.



محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی بشر سه گزاره عقلی است که از امکانات طبیعی بشر در این مرتبه از نفس در راستای رسیدن به سعادت جاویدان به دست می‌آیند. حقوق طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی، یا به عبارتی حقوق بشر، از این گزاره‌های عقلی فهمیده می‌شوند. عقل عملی تاکنون از اولین گزاره قانون طبیعی نُه حق طبیعی را به طور مستقیم یا نامستقیم به دست آورد. اینک دسته‌ای دیگر از حق‌های طبیعی گیاهی را بررسی می‌کنیم که از دومین گزاره قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی فهمیده می‌شوند. ریشه و فلسفه وجودی این حق‌ها همگی در قوه منمیه نفس نباتی بشر وجود دارد. کارکرد این قوه رشدونمو مطلوب است.

۴-۳. حق بر سلامت

دومین فرمان عقلی از فرامین سه‌گانه قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی با توجه به کارکرد قوه منمیه (رشددهنده اعضا) صادر می‌شود. مفاد این فرمان عبارت است از آنکه: «هر فرد برای ادامه حیات خود باید شرایط رشد مناسب و سلامت خویش را فراهم کرده و در برابر بیماری‌ها از خود مراقبت کند». (همان).

این فرمان قانون طبیعی دو بخش دارد. از هر بخش یک حق طبیعی فهمیده می‌شود؛ بنابراین از این گزاره قانون طبیعی دو حق طبیعی به دست می‌آید: حق بر سلامت و حق بهداشت. عقل بشر

حق بر سلامت را از قسمت اول فرمان بالا می‌فهمد. این حق هم بر داشتن سلامت و هم بر حفظ آن از هر راه ممکن تأکید می‌کند. حق بر سلامت هم سلامت جسمانی و هم سلامت روانی را دربرمی‌گیرد. از دومین بخش فرمان بالا حق بهداشت فهمیده می‌شود. حق بهداشت حقی طبیعی است که به پیشگیری از بیماری و درمان پس از بیماری توجه می‌کند.

۴-۳-۱. حقوق ثانوی طبیعی مقدمه حق بر سلامت

هر انسان برای استیفای حق بر سلامت، باید تعدادی حقوق طبیعی را که مقدمه استیفای حق بر سلامت هستند، استیفا کند. این حقوق ثانوی طبیعی عبارت‌اند از:

۴-۳-۱-۱. حق ورزش

مراد از ورزش انجام همه حرکات‌های بدنی است که به سلامت جسمی و روانی انسان کمک می‌کند. ورزش در این تعریف، انواع گوناگون در سطوح مختلف دارد؛ برای نمونه یک پیاده‌روی ساده نوعی ورزش است، همچنان‌که انجام کارهای سخت، مثل کارگری در کارهای ساختمانی که در آنها ماهیچه‌های بدن در فعالیت‌های انرژی‌بر به کار گرفته می‌شوند، نیز ورزش است. همچنین روشن است که فعالیت‌های نظام‌مند نیز که امروزه در دنیا با عناوینی شناخته‌شده، شاخه‌های گوناگون ورزش‌های قهرمانی و غیرقهرمانی را تشکیل می‌دهند، همگی ورزش هستند. حاصل آنکه، در تعریف بالا به هرگونه فعالیت فیزیکی که سلامت جسمی و روانی انسان را تأمین کند، ورزش گفته می‌شود. حق ورزش کردن سبب استیفای حق بر سلامت بوده و زیرمجموعه آن است. به این دلیل حق ورزش کردن همانند حق بر سلامت یکی از حقوق طبیعی هر انسان است.

۴-۳-۱-۲. حق تفریحات سالم

یکی دیگر از عواملی که در سلامت انسان تأثیر چشمگیر دارد، تفریحات سالم است. تفریحات سالم کلیه اموری هستند که در انسان ایجاد نشاط کرده و از ناهنجاری‌های روانی جلوگیری می‌کنند. این امور در انسان‌های مختلف متفاوتند. رفتن به مسافرت و دیدن مناظر طبیعی یا مصنوعی زیبا برای بیشتر انسان‌ها نشاط‌آور بوده و نمونه‌هایی از تفریحات سالم هستند، هرچند ممکن است چنین کارهایی برای بعضی افراد شادابی نداشته و شادابی او با چیز دیگری تأمین شود.

گاهی مطالعه یک کتاب داستان یا فکاهی برای برخی افراد نشاط‌آور است. همچنین ممکن است، برای برخی اشخاص دیدن یک فیلم سینمایی یا شنیدن یک قطعه موسیقی یا تماشای مسابقه ورزشی تفریحات سالم باشند.

حاصل آنکه تفریحات سالم به سلامت روانی انسان‌ها کمک می‌کنند و به این دلیل حق تفریحات سالم از شاخه‌های حق بر سلامت بوده و استیفای آن به استیفای حق بر سلامت می‌انجامد. حق تفریحات سالم، همانند حق بر سلامت، از حقوق طبیعی گیاهی انسان است.

۴-۳-۱-۳. حق مسکن

مسکن اسم مکان بوده و به معنای محل سکونت است. سکونت یعنی آرامش؛ بنابراین مسکن به معنای محل آرامش است؛ محلی که در آنجا آرامش انسان حفظ می‌شود. داشتن مسکن یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت هر انسان است. مسکن عبارت است از محل زندگی مناسب که هر انسان با آرام گرفتن در آن می‌تواند هم از سلامت جسمی و روحی خود حراست کند و هم شرایط مساعد برای رشد و تکامل مادی و معنوی خویش را در آن فراهم کند.

مسکن مناسب، افزون بر ایجاد آرامش برای هر فرد، او را از آسیب رسیدن از سوی هر موجود مزاحم حفظ می‌کند. مزاحمان سلامت بشر انواع گوناگون دارند. ویروس‌های مختلفی که در فضا منتشر می‌شوند، حشرات موذی، حیوانات مزاحم، مثل پرنده‌گان و خزندگان و درندگان و غیر آن، و نیز انسان‌های بزه‌کار که در جامعه برای دیگران ایجاد مزاحمت می‌کنند و همچنین کسانی که با دیگران خصومت دارند، همگی به نوعی مزاحم سلامت جسمی و روحی افراد هستند. مسکن می‌تواند از زیان‌های ناشی از مزاحمت‌های این موجودات مزاحم که سلامت انسان‌ها را به خطر می‌اندازند، به خوبی جلوگیری کند.

بنابراین حق مسکن یکی از مقدمات استیفای حق طبیعی سلامت بوده و به این دلیل از حقوق ثانوی طبیعی هر انسان در مرتبه نفس نباتی است.

۴-۳-۱-۴. حق پوشاک

یکی دیگر از شرایط لازم برای حفظ سلامت انسان داشتن پوشاک مناسب است. لباس مناسب نه تنها جسم انسان را از سرما، گرما و برخی امور ناملایم، مثل نیش برخی حشرات یا خزندگان حفظ می‌کند، بلکه به لحاظ روحی نیز تأثیری قابل توجه در روان آدمی دارد.

حق پوشاک برای هر انسان حق ثانوی طبیعی و گیاهی است؛ چون مقدمه حق طبیعی بر سلامت است.

۴-۳-۱-۵. حق داشتن سرپرست (در امور سلامت)

به دلیل آنکه انسان از کودکی باید از حق بر سلامتش مراقبت شود، و او به تنهایی از استیفای چنین حقی ناتوان است، وی در انجام امور مربوط به سلامت به سرپرست نیاز دارد. روشن است که حق داشتن سرپرست در امور مربوط به سلامت اختصاص به کودکان ندارد، بلکه همه کسانی که ناتوانی جسمی یا معلولیت ذهنی دارند، در امور مربوط به استیفای حق طبیعی سلامت، به سرپرست نیاز دارند؛ بنابراین حق داشتن سرپرست در امور مربوط به سلامت حقی از حقوق ثانوی طبیعی و گیاهی بشر است.

۴-۳-۱-۶. حق داشتن پرستار (در امور سلامت)

دانستیم حق بر سلامت حقی طبیعی است و از قسمت اول دومین فرمان عقل عملی در نظریه اسلامی قانون طبیعی فهمیده می‌شود. هر انسان در دوران کودکی خود برای حفاظت از سلامت خویش در راستای استیفای حق بر سلامت، همچنان که به پرستار تغذیه نیاز دارد، در امور مربوط به سلامت نیز به پرستار نیازمند است؛ زیرا او قادر نیست در دوره نوزادی و پس از آن تا پایان سال‌های کودکی از سلامت خویش پاسداری کند. حق داشتن پرستار سلامت، همانند حق داشتن پرستار تغذیه، اختصاص به زمان طفولیت انسان ندارد، بلکه براساس مفاد حق بر سلامت، هرگاه انسان در شرایطی قرار داشته باشد که نتواند از سلامت خویش حراست کند، خواه کودک باشد یا بیمار و یا آنکه بر اثر سالخورده‌گی زمین گیر شده باشد، حق داشتن پرستار در امور مربوط به سلامت را دارد.

از این دو حق داشتن سرپرست و پرستار در امور مربوط به سلامت به دست می‌آید که انسان در ذات خود موجودی اجتماعی است؛ زیرا او به هیچ‌وجه نمی‌تواند بدون کمک دیگران از سلامت خود حراست کرده و زندگی خود را در این دنیا ادامه دهد. گفتنی است همه مقدمات حق طبیعی بر سلامت حقوق ثانوی طبیعی و گیاهی هستند. به این دلیل حق داشتن پرستار در امور مربوط به سلامت نیز حق ثانوی طبیعی و گیاهی است؛ زیرا این حق نیز مقدمه حق طبیعی و گیاهی بر سلامت است.

۴-۳-۱-۷. حق بهداشت (و درمان)

پیش‌تر گفتیم دومین حقی که از دومین فرمان قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی در نظریه اسلامی قانون طبیعی به دست می‌آید، حق بهداشت است. این حق از قسمت دوم فرمان پیش‌گفته فهمیده می‌شود. قسمت دوم آن فرمان این بود: «هر فرد برای ادامه حیات خود باید در برابر بیماری‌ها از خود مراقبت کند». (طالبی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱).

این بخش از فرمان عقلی بر لزوم حق بهداشت برای هر انسان دلالت می‌کند. حق بهداشت بر پیشگیری از بیماری و درمان پس از آن تأکید می‌کند. گاهی به حق بهداشت، حق بهداشت و درمان هم گفته می‌شود.

۴-۳-۲. حقوق ثانوی طبیعی مقدمه حق بهداشت (و درمان)

اموری که به پیشگیری از بیماری یا درمان آن کمک می‌کنند، عناصر حق بهداشت (و درمان) هستند. برای استیفای این حق طبیعی باید چند حق طبیعی دیگر که مقدمه استیفای حق بهداشت هستند، استیفا شوند. این حقوق عبارت‌اند از: حق تأمین خدمات اجتماعی در امور مربوط به بهداشت و درمان، حق امنیت بهداشتی، حق داشتن سرپرست در امور بهداشتی و حق داشتن پرستار در آن امور. توضیح بیشتر درباره هر یک از این حقوق به شرح ذیل است:

۴-۳-۲-۱. حق تأمین خدمات اجتماعی (در امور بهداشت و درمان)

حق تأمین خدمات اجتماعی در امور بهداشت و درمان یکی از مقدمات حق بهداشت (و درمان) است. حق تأمین خدمات اجتماعی در امور بهداشت و درمان حقی ثانوی و طبیعی است؛ زیرا این حق مقدمه حق طبیعی بهداشت است. این حق اموری مثل واکسیناسیون برای پیشگیری از بیماری‌ها و درمان افراد مبتلا به بیماری را دربردارد.

۴-۳-۲-۲. حق امنیت بهداشتی

امنیت بهداشتی، ایمنی کامل در امور بهداشتی در محیط زندگی انسان است؛ به عبارت دیگر فضاهایی که به لحاظ بهداشتی برای انسان‌ها محیطی امن باشند؛ یعنی به انواع ویروس‌های مهلک یا بیماری‌زا آلوده نباشند، امنیت بهداشتی دارند.

حق طبیعی هر انسان است که محیط زندگی او به لحاظ بهداشتی ایمن باشد؛ به عبارت دیگر

محیط زندگی انسان نباید از نظر بهداشتی به هیچ وجه آلوده باشد؛ زیرا آلودگی بهداشتی سبب اتلاف حق بهداشت انسان شده و سلامت او را که از حقوق گیاهی انسان است، به خطر می‌اندازد. براین اساس، اگر محیط زیست انسان‌ها به هر دلیل و از هر راهی آلوده شود، این آلودگی باید به سرعت برطرف شود تا به سلامت انسان آسیبی نرسد.

حق امنیت بهداشتی از حقوق ثانوی طبیعی بشر است؛ زیرا مقدمه حق طبیعی بهداشت (و درمان) است. حق امنیت بهداشتی در زندگی انسان‌ها حقی فراگیر است به طوری که این حق حتی اولین ساعت‌های به وجود آمدن انسان را به صورت جنین در بر می‌گیرد. به این دلیل جنین انسان نیز باید از هرگونه آلودگی جسمی ایمن باشد؛ بنابراین سقط جنین چه در حالت نطفه‌ای، مضغه‌ای یا استخوانی که نفس نباتی دارد و چه بعد از آن ممنوع است؛ زیرا مخالف حق بهداشت است.

۴-۳-۲-۳. حق داشتن سرپرست در امور بهداشت

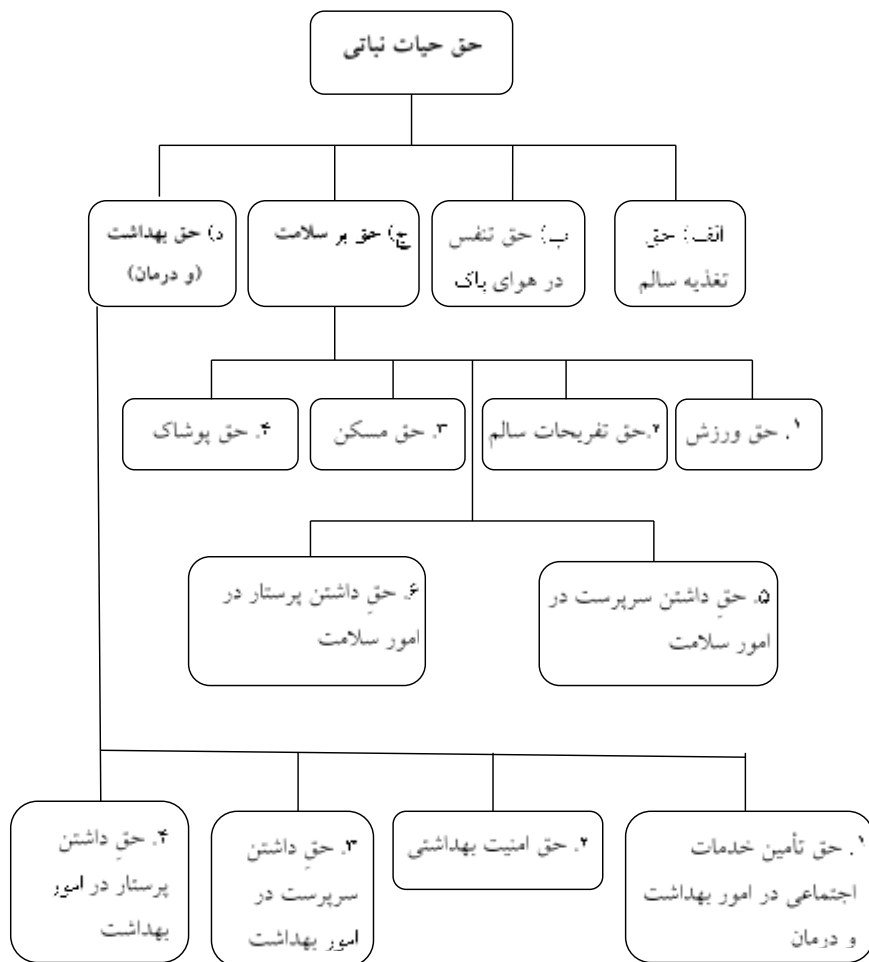
پیش‌تر گفتیم هر انسان ناتوان، خردسال باشد یا بزرگسال، حق دارد برای استیفای حق تغذیه سالم و حق سلامت خویش سرپرستی داشته باشد که این حقوق او را تأمین کند. به دلیل آنکه، داشتن سرپرست در امور بهداشتی نیز یکی از اسباب استیفای حق طبیعی بهداشت در زمان طفولیت و نیز یکی از علت‌های تأمین حق بهداشت افراد ناتوان است، نتیجه می‌گیریم که هر انسان ناتوان، خردسال باشد یا بزرگسال، حق طبیعی دارد در امور بهداشتی نیز سرپرستی داشته باشد که متکفل امور بهداشتی اوست.

۴-۳-۲-۴. حق داشتن پرستار در امور بهداشت

همچنان‌که داشتن پرستار در امور مربوط به حق طبیعی تغذیه سالم و در امور مربوط به حق سلامت از حقوق طبیعی انسان در زمان طفولیت و به هنگام ناتوانی در بزرگسالی است، همچنین داشتن پرستار برای استیفای حق بهداشت (و درمان) نیز به‌عنوان حق طبیعی انسان در زمان خردسالی، و اگر ناتوان باشد در زمان بزرگسالی، شناخته می‌شود.

حاصل آنکه، از دومین فرمان قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی حق‌های طبیعی زیر به دست می‌آیند: حق سلامت و حق بهداشت (و درمان). هر یک از این دو حق، چون به‌طور مستقیم از قانون طبیعی فهمیده می‌شوند، حق اولی طبیعی بوده و مقدمات آنها حقوق ثانوی طبیعی هستند. مقدمات حق سلامت عبارت‌اند از: حق ورزش، حق تفریحات سالم، حق مسکن، حق پوشاک،

حق داشتن سرپرست در امور سلامت و حق داشتن پرستار در آن امور.
 حقوق ثانوی طبیعی مقدمه حق بهداشت (و درمان) نیز عبارت‌اند از: حق تأمین خدمات
 اجتماعی در امور بهداشت و درمان، حق امنیت بهداشتی، حق داشتن سرپرست در امور بهداشت
 و حق داشتن پرستار در آن امور.
 بیان نموداری مطلب بالا به شرح ذیل است:



دانستیم محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی بشر سه گزاره عقلی است که
 از امکانات طبیعی بشر در این مرتبه از نفس در راستای رسیدن به سعادت جاویدان به دست

می‌آیند. حقوق طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی؛ یعنی حقوق گیاهی او، از این گزاره‌های عقلی به دست می‌آیند. تاکنون عقل عملی ۲۱ نوع حق گیاهی بشر را به طور مستقیم یا نامستقیم از دو گزاره قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی کشف کرد. اینک دسته‌ای دیگر از حق‌های طبیعی را بررسی می‌کنیم که از سومین گزاره صادر شده از عقل عملی در نظریه اسلامی قانون طبیعی فهمیده می‌شوند.

۴-۴. حق فرزندآوری

حق فرزندآوری یا حق تولید مثل یکی دیگر از حق‌های طبیعی هر انسان است. این حق آخرین حق اولی طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی است که به طور بدیهی از سومین گزاره قانون طبیعی بالا فهمیده می‌شود. محتوای گزاره قانون طبیعی که موجه‌ساز حق فرزندآوری است، عبارت است از اینکه: «بشر برای حفظ نوع خود باید تولید مثل کند». (طالبی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱).

۱۴۱

دیگر حق‌های طبیعی انسان که پیش‌تر گفته شد، همگی برای حفظ حیات نباتی هر فرد انسان است؛ اما حق فرزندآوری برای حفظ حیات نوع بشر است. به این دلیل حق فرزندآوری از دیگر حقوق نباتی بشر مهم‌تر است. خدای متعال گرایش به جنس مخالف را در ذات همه انسان‌ها قرار داده تا آنها نوع بشر را از راه تولید مثل حفظ کنند. بدیهی است فرزندآوری هرچند همانند دیگر حقوق طبیعی، حقی همگانی است؛ یعنی همه انسان‌ها حق تولید مثل دارند، اما استیفای آن بر یکایک افراد بشر، به اصطلاح فقهی، وجوب عینی ندارد؛ بلکه وجوبش از نوع وجوب کفایی است. دلیل این امر آن است که فلسفه وجود این حق بقای نوع بشر است؛ بنابراین فرزندآوری به اصطلاح فقهی واجب کفایی (و نه عینی) است؛ یعنی بر نوع بشر واجب است برای حفظ بقای خود تولید مثل کند. این درحالی است که استیفای دیگر حق‌های طبیعی بشر بر یکایک افراد وجوب عینی دارد.

با این همه، از نگاه فلسفی به نظر می‌رسد فرزندآوری نه تنها برای حفظ نوع، بلکه برای بقای فرد نیز وجوب عینی عقلی دارد. توضیح آنکه، همه ما انسان‌ها در سرشت خود به بقای خود می‌اندیشیم و میل داریم بیشتر در این جهان مادی زندگی کنیم. همچنان که بیشتر زنده ماندن ما در این جهان یک صورت از بقای ماست، بقای هر انسان از راه‌های دیگر نیز امکان پذیر است. باقی ماندن آثار وجودی هر انسان پس از مرگ بدن، مثل انتشار علوم آن شخص، یا برجا ماندن آثار

مهارت‌هایی که او در زندگی داشته، نیز نوع دیگری از بقای هر فرد انسان است. با این نگاه، در فرزندآوری نیز نوعی بقای پدر و مادر وجود دارد؛ زیرا آنها سبب ایجاد فرزندان خود می‌شوند؛ بنابراین به دلیل آنکه هر انسان بقای خود را می‌جوید، و در فرزندآوری نیز بقای انسان (پدر و مادر) است؛ در نتیجه یکی از اموری که هر انسان به‌طور طبیعی بقای خود را در آن جسته و برای آن تلاش می‌کند، تولید مثل و پرورش فرزندان است. به این دلیل در روایات اسلامی، یکی از اموری که با عنوان «الباقیات الصالحات» معرفی شده است، داشتن فرزند نیک است.

روشن است هر امری که مقدمه استیفای حق فرزندآوری باشد، به تبع این حق، نوعی حق ثانوی طبیعی است. حقوق طبیعی که می‌توانند مقدمه استیفای حق فرزندآوری باشند، به شرح ذیل هستند:

۴-۴-۱. حق ازدواج

مقصود از ازدواج در این بحث عمل زناشویی میان مرد و زن بالغ است. این عمل آثار گوناگون در زندگی بشر دارد. برخی از آن آثار خود حق طبیعی بشر در مراتب مختلف حیات انسان هستند. برای نمونه ازدواج به حفظ سلامت روانی افراد و ایجاد تعادل روحی در آنها کمک می‌کند؛ بنابراین ازدواج یکی از راه‌های ایجاد آرامش روانی در افراد بوده و در بیشتر موارد، تأمین‌کننده حق بر سلامت است. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، حق بر سلامت حق طبیعی بشر در مرتبه نفس‌نباتی بوده و زیرمجموعه حق حیات گیاهی است.

همچنین تقویت کنترل نفس در برابر وسوسه‌های شیطانی در امور جنسی که به حفظ اخلاق و دین‌داری انسان می‌انجامد، یکی دیگر از آثار ازدواج است.^۱ افزون بر آنها، فرزندآوری نیز یکی دیگر از آثار مهم ازدواج است. بحث ما درباره ازدواج در این قسمت از نگارش مربوط به حق فرزندآوری است. چون حق فرزندآوری یکی از حقوق طبیعی بشر در مرتبه حیات گیاهی بوده و تنها راه رسیدن به این حق، ازدواج کردن است؛ در نتیجه ازدواج نیز حقی طبیعی برای بشر شناخته می‌شود.

۱. براساس نظریه اسلامی قانون طبیعی، بزرگترین؛ یعنی مهم‌ترین، حق طبیعی بشر حق اخلاق‌مداری و دین‌داری است. این حق همه حق‌های بشری را به خود مقید می‌کند؛ بنابراین اگر میان حق دین‌داری و دیگر حق‌های بشری تراجمی واقع شود، حق دین‌داری مقدم است.

با التفات به فلسفه وجود حق ازدواج و آثار این حق، می‌توان به این نکته پی برد که انجام اعمال جنسی میان دو یا چند انسان هم‌جنس، مثل دو یا چند مرد که به عمل لواط معروف است؛ یا میان دو یا چند زن که با نام عمل مساحقه شناخته می‌شود؛ یا میان انسان و حیوان، همگی ضد طبیعت بوده و مخالف با حقوق بشر هستند.^۱

گفتنی است حق ازدواج، همانند برخی دیگر از حق‌های طبیعی بشر، دلیلی بر اجتماعی بودن ذات انسان است؛ زیرا هر انسان به تنهایی (بدون کمک دیگران) به هیچ‌وجه نمی‌تواند حق ازدواج خود را استیفا کرده و سبب بقای نسل بشر شود.

۴-۴-۲. حق درمان ناباروری

به دلیل آنکه حق فرزندآوری حقی طبیعی است، همه مقدمات آن نیز حقوق ثانوی طبیعی هستند. از آنجا که حق فرزندآوری واجب عقلی است، رفع موانع استیفای حق فرزندآوری نیز که از مقدمات این حق است، وجوب عقلی (دست‌کم وجوب کفایی) دارد. یکی از موانع استیفای حق فرزندآوری مسئله ناباروری در مردان و زنان است؛ ازاین‌رو درمان ناباروری حق طبیعی هر انسان برای استیفای حق فرزندآوری بوده و یک واجب عقلی (دست‌کم کفایی) است.

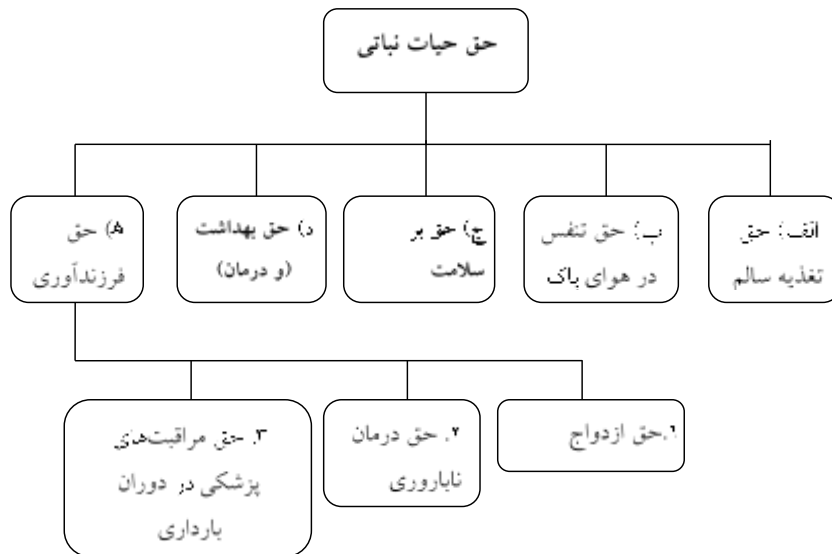
۴-۴-۳. حق مراقبت‌های پزشکی در دوران بارداری

روشن است همراه با آغاز اولین مراحل رشد جنین، مادر باید تحت مراقبت‌های پزشکی دوران بارداری قرار گیرد تا بتواند بی‌دغدغه فرزند سالم به دنیا بیاورد؛ بنابراین این‌گونه مراقبت‌ها که مقدمه حق تولید فرزند سالم است، یکی از حقوق طبیعی مادران باردار بوده و به‌طور غیرمستقیم از حقوق طبیعی پدران در راستای استیفای حق فرزندآوری آنهاست. از این مطلب به‌دست می‌آید که سقط جنین موجب زیربا گذاشتن حق فرزندآوری پدر و مادر جنین است.

حاصل آنچه که گفته شد این است که از سومین فرمان قانون طبیعی در مرتبه نفس نباتی حق

۱. امروزه دولتمردان در بسیاری از کشورهای غربی برای دفاع از عمل شنیع همجنس‌بازی آن را در کشورهای خویش قانونی کرده و آن را یکی از مصادیق حق آزادی بشر دانسته‌اند. گفتنی است هر نوع آزادی را نمی‌توان جزو حقوق بشر دانست، بلکه آن نوع از آزادی حق بشر است که انسان را در راستای حرکت در مسیر مقام والای انسان کامل یاری دهد. حاصل آنکه، حق آزادی محدودتر از آزادی بوده و نسبت میان آن دو نسبت عموم و خصوص مطلق است.

طبیعی فرزندآوری به دست می‌آید. این حق آخرین شاخه حق حیات گیاهی بشر است. از حق فرزندآوری سه حق دیگر استنباط می‌شوند که همه آنها مقدمه استیفای حق فرزندآوری هستند. این حقوق ثانوی طبیعی عبارت‌اند از: حق ازدواج، حق درمان ناباروری و حق مراقبت‌های پزشکی در دوران بارداری. نمودار زیر مطلب بالا را بیان می‌کند:



۵. حقوق گیاهی بشر در یک نگاه

دانستیم حیات گیاهی انسان دربردارنده پنج حق اولی طبیعی است. این حقوق از سه فرمان عقل عملی در مرتبه نفس نباتی، بر اساس محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی به‌طور بدیهی فهمیده می‌شوند. این سه فرمان قانون طبیعی از کارکردهای سه‌گانه قوای سه‌گانه (غاذیه، منمیه و مولده) در نفس نباتی فهمیده می‌شوند. از این پنج حق اولی طبیعی، ۲۰ حق ثانوی طبیعی به دست می‌آیند؛ بنابراین مجموعه حقوق گیاهی بشر ۲۵ حق طبیعی هستند که ریشه‌های آنها در ذات انسان (قوای سه‌گانه نفس بشر) وجود دارند. این حقوق به اختصار عبارت‌اند از:

حق تغذیه سالم،

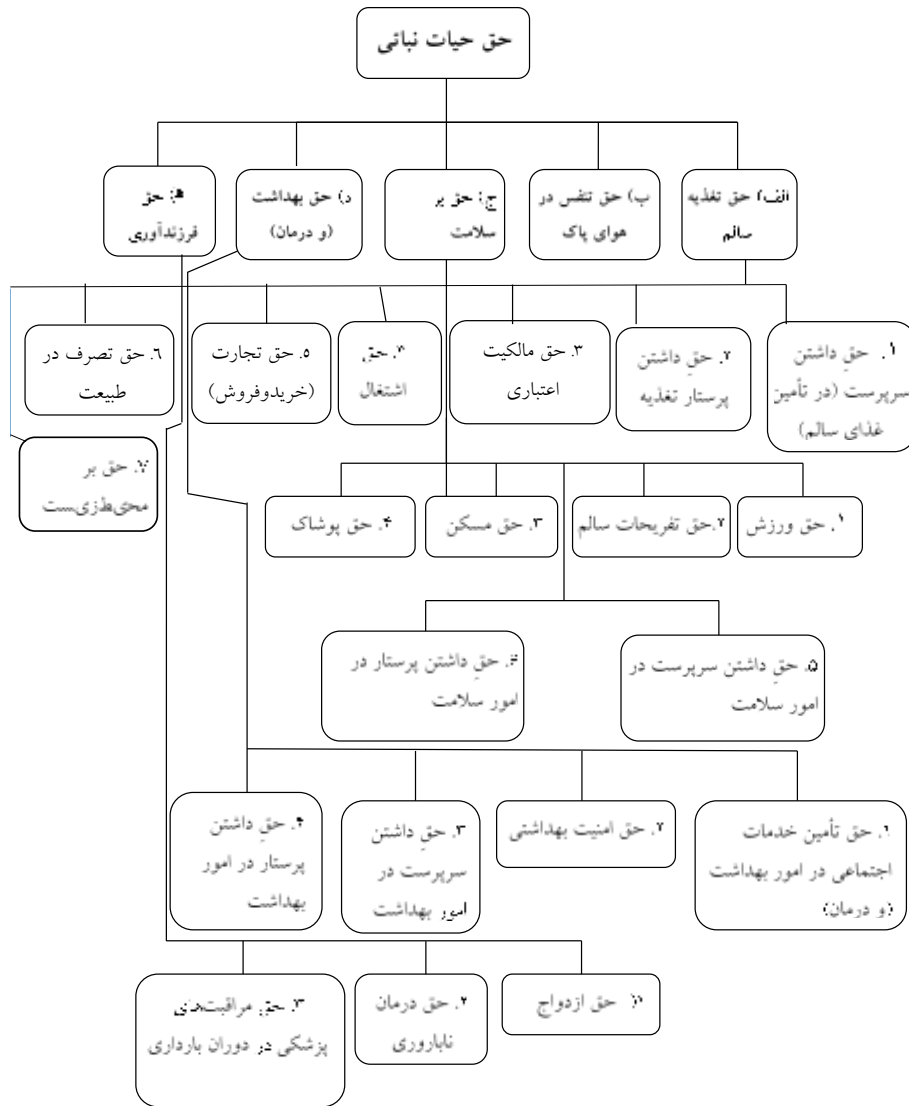
حق داشتن سرپرست (در تأمین غذای سالم)،

حق داشتن پرستار تغذیه،

- حق مالکیت اعتباری،
- حق اشتغال،
- حق تجارت (خرید و فروش)،
- حق تصرف در طبیعت،
- حق بر محیط زیست سالم،
- حق تنفس در هوای پاک،
- حق بر سلامت،
- حق ورزش،
- حق تفریحات سالم،
- حق مسکن،
- حق پوشاک،
- حق داشتن سرپرست (در امور سلامت)،
- حق داشتن پرستار (در امور سلامت)،
- حق بهداشت (و درمان)،
- حق تأمین خدمات اجتماعی (در امور بهداشت و درمان)،
- حق امنیت بهداشتی،
- حق داشتن سرپرست در امور بهداشت،
- حق داشتن پرستار در امور بهداشت،
- حق فرزندآوری،
- حق ازدواج،
- حق درمان ناباروری،
- حق مراقبت‌های پزشکی در دوران بارداری.

این ۲۵ حق گیاهی که در منشور حق حیات گیاهی بشر قرار دارند، در نمودار زیر نمایش داده

شده‌اند:



نتیجه

با استفاده از نظریه اسلامی قانون طبیعی به خوبی می‌توان ریشه‌های حقوق بشر را در طبیعت انسان نشان داد. این حقوق شایستگی‌هایی هستند که هر انسان برای رسیدن به هدف از خلقتش؛ یعنی مقام انسان کامل، آنها را دارد. به دلیل آنکه نظریه اسلامی قانون طبیعی فرمان‌های عقل عملی درباره رفتارهای بشر را دربردارد، می‌توان دریافت که عقل بشر مدافع حقوق طبیعی بشر در مراتب سه‌گانه گیاهی، حیوانی و انسانی (ناطقه) است. ریشه‌های گیاهی این حقوق در این نگارش نشان داده شدند.

توجه به این نکته لازم است که حقوق مادی بشر، مثل حقوق اقتصادی او، در مقایسه با دیگر حقوق بشر به لحاظ تأثیر در سعادت انسان پایین‌ترین مرتبه را دارند. این امر نشان می‌دهد که بیشترین دلمشغولی بشر نباید حقوق مادی او باشد؛ زیرا مقدار لذت و بهره‌ای که هر انسان از حقوق مادی خود می‌برد به مراتب کمتر از حقوق معنوی اوست؛ چون نفع بشر از حقوق مادی او که در این نگارش به آنها اشاره شد، به حیات مادی گیاهی در این دنیا ختم می‌شود، اما بهره انسان از حقوق معنوی در جهان دیگر نیز ادامه دارد؛ بنابراین اهمیت حقوق طبیعی معنوی بشر بیش از حقوق طبیعی مادی اوست، درحالی‌که امروزه دولتمردان در همه کشورها اهمیتی که به حقوق مادی مردم دارند، بیش از حقوق معنوی آنهاست.

منابع

۱. ابن سینا، حسین؛ الشفاء، الطبيعيات، كتاب النفس؛ قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. شریفی طرازکوهی، حسین؛ «بنیان‌های نظری حقوق بشر»، در: حقوق بشر (ارزش‌ها و واقعیت‌ها)؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰، ص ۹۵-۱۲۰.
۳. شهرزوری، شمس‌الدین؛ رسائل الشجرة الإلهية فی علوم الحقایق الربانية؛ مقدمه، تصحیح و تحقیق نجفقلی حبیبی؛ ج ۲، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳.
۴. صدرالمتهلین، محمد؛ الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة؛ ج ۸ و ۹، ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
۵. طالبی، محمدحسین و علی طالبی؛ «بررسی تطبیقی نظریه‌های موجه‌ساز حقوق بشر در غرب و اسلام»، حقوق اسلامی؛ ش ۳۲، بهار ۱۳۹۱، ص ۳۷-۶۱.
۶. طالبی، محمدحسین؛ «نظریه بدیع قانون طبیعی در حکمت عملی اسلامی»، معرفت فلسفی؛ ش ۳۴، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۸۱-۲۰۳.
۷. طوسی، نصیرالدین محمد؛ شرح الإشارات والتنبيهات؛ ج ۳، قم: نشر البلاغة، ۱۳۷۵.
۸. وکیل، امیرساعد و پوریا عسکری؛ نسل سوم حقوق بشر، حقوق همبستگی؛ تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
9. Campbell, Tom: Rights, A Critical Introduction, London and New York: Routledge, 2006.
10. Donnelly, Jack: Universal Human Rights in Theory and Practice, Ithaca: Cornell University Press, 1989.
11. Finnis, John: Natural Law and Natural Rights, Oxford: Clarendon Press, 1980.
12. Hobbes, Thomas: Leviathan [1651], in M. Oakeshott ed. , Oxford: Basil Blackwell, 1957.

13. Jones, Peter: Rights, Houndmills and New York: Palgrave, 1994.
14. Locke, John: Two Treatises of Government [1690], in Peter Laslett ed. , Cambridge: Cambridge University Press, 1960.
15. MacDonald, Margaret: "Natural Rights", in A. I. Melden ed. , Human Rights, Belmont: Wadsworth Publishing, 1970, pp. 40-60.
16. Vlastos, Gregory: "Justice and Equality", in A. L. Melden ed. , Human Rights, Belmont: Wadsworth, 1970, pp. 76-95.
17. Wasserstrom, Richard; "Rights, Human Rights and Racial Discrimination", in A. L. Melden ed. , Human Rights, Belmont: Wadsworth, 1970, pp. 96-110.